

اینترنت:

عرصه روزنامه‌نگاران تازه‌کار، ارزان و تأثیرگذار

نویسنده: مایک گادوین Mike Godwin

ترجمه: فرید ادیب‌هاشمی

«من به‌طور کاملاً اتفاقی به این واقعیت مهم دست یافتم. برای آنکه یک روزنامه‌نگار قلمداد شوید، فقط کافی است بگویید که روزنامه‌نگار هستید! به هیچ‌اجازه نامه، گواهی‌نامه و قید و شرطی احتیاج ندارید، حتی لازم نیست که آموزش دیده باشید.»
ریچارد ریویس، مردم چه می‌دانند: آزادی و مطبوعات

کامپیوتر هزار دلاری و یک خط تماس با اینترنت می‌تواند به یک، یا هزاران و یا میلیون‌ها مخاطبی که تا دیروز فقط غول‌های رسانه‌ای بزرگ به آنها دسترسی داشتند، دسترسی پیدا کند. با امکاناتی که اینترنت فراهم ساخته است، امروز شما می‌توانید حتی از معروف‌ترین روزنامه‌نگاران هم موفق‌تر باشید. زیبایی کار رسانه‌های جدید دقیقاً در همین نکته نهفته است که برای دستیابی به چنین

بود. اما امروز، اقتصاد تمامی وسایل ارتباط جمعی و از جمله رسانه‌های خبری تحت تأثیر پدیده‌ای به نام «انقلاب کامپیوتر» دستخوش تغییر شده است. انقلاب دیجیتال، امروزه به همراه گسترش امکانات و کارایی‌های اینترنت و طرح ایده «روزنامه‌نگاران ارزان قیمت»، ظرفیت جدیدی برای روزنامه‌نگاری خلق کرده است. به‌طوری‌که هر کس با استفاده از یک

ده سال قبل، روی آوردن به حرفه پرخرجی مثل روزنامه‌نگاری برای همه ممکن نبود. در آن ایام برای دسترسی به طیف گسترده و متنوع مخاطبانی که رسانه‌های سنتی خبری را در اختیار داشتند، تنها دو راه وجود داشت: یا سرخورداری از ثروت کافی به همراه مالکیت یک رسانه جمعی (روزنامه یا ایستگاه رادیو - تلویزیونی) یا کارکردن برای کسی که از چنین امکاناتی برخوردار

سطحی از موفقیت، الزاماً نباید به اندازه آن آدم‌های بسیار مشهور، سرشناس و ثروتمند بود.

گاهی دست‌اندرکاران امور خبری در این باره به بحث و جدل می‌پردازند که آیا اینترنت باعث تولد نسل جدیدی از روزنامه‌نگاران شده که از صلاحیت‌های لازم برای کار روزنامه‌نگاری برخوردارند؟ بیشتر روزنامه‌نگاران حرفه‌ای به شدت بر این باور خود اصرار دارند که بین کاری که آنها برای امرار معاش انجام می‌دهند با کاری که این نسل جدید، اغلب به صورت نیمه‌وقت و یا حتی مجانی، از طریق اینترنت انجام می‌دهد تفاوت‌های اساسی وجود دارد.

در برابری این پدیده جدید - روزنامه‌نگاری اینترنتی - دو دیدگاه وجود دارد:

1. هیچ‌یک از نویسندگان اینترنتی، (On Line) روزنامه‌نگار نیستند.
2. حتی اگر این عده را روزنامه‌نگار بنامیم باید بگوییم که در واقع کسانی هستند که روزنامه‌نگاری را با یک فاجعه روبرو کرده‌اند. در برابر این دو دیدگاه می‌توان چهار استدلال مطرح کرد:

1. چگونه ممکن است آنها بدون آنکه سردبیر داشته باشند، روزنامه‌نگار قلمداد شوند؟

روزنامه‌نگاران تمام‌وقت، از صبح تا شب در تحریریه به کارهای مختلفی مشغولند که از جمله آنها می‌توان به سرزدن به حوزة خبری، استفاده از تجربیات فراوان سردبیران، جمع‌آوری اخبار جراید و... اشاره کرد. به عبارت دیگر این روزنامه‌نگاران، از صبح تا شب تحت آموزش مستقیم و غیرمستقیم سردبیران هستند. به همین خاطر نیز معمولاً با نگاهی تحقیرآمیز یا توأم با تنفر به روزنامه‌نگاران اینترنتی - که هرازگاهی

در اتاق منزل یا پارکینگ خانه‌شان پشت کامپیوتر می‌نشینند و مطلبی ارسال می‌کنند - نگاه می‌کنند. آنها از خود می‌پرسند: «ما برای آنکه بتوانیم یک جمله جذاب و گیرا بنویسیم به شدت به راهنمایی‌های سردبیر نیازمند بودیم. گذشته از آن و علی‌رغم آنکه سردبیر هم بالای سرمان بود، زمانی قادر به نوشتن یک لید معقول و بدون اشکال شدیم که حداقل یک‌سال از ورودمان به این حرفه به عنوان یک نیروی تمام‌وقت می‌گذشت. حال این همکاران اینترنتی (On Line)

می‌کند تا وظایفش را به درستی انجام دهد. این راه‌ها، در واقع روش‌هایی است که به‌طور کامل از حرفه‌های دیگر اقتباس شده‌اند. من، اغلب این حرف را تکرار می‌کنم که بهترین آموزشی که به عنوان یک خبرنگار دیده‌ام، به درس ادبیات انگلیسی مربوط می‌شود. در این درس، برای مردود شدن، بیان تنها یک نقل قول غلط از فردی کافی بود. در این کلاس حتی اگر نمی‌دانستید که چگونه بیان خود را با تحقیق و ارائه دلیل مستند کنید، سرنوشت مشابهی در انتظارتان بود.

■ انقلاب دیجیتال به همراه گسترش امکانات و کارایی‌های اینترنت و طرح ایده «روزنامه‌نگاران ارزان قیمت»، ظرفیت جدیدی برای روزنامه‌نگاری خلق کرده است.

■ زیبایی کار رسانه‌های جدید دقیقاً در این نکته نهفته است که برای دستیابی به موفقیت، الزاماً نباید به اندازه گول‌های رسانه‌ای، بسیار مشهور، سرشناس و ثروتمند بود.

■ بیشتر روزنامه‌نگاران حرفه‌ای به شدت بر این باور خود اصرار دارند که بین کاری که آنها برای امرار معاش انجام می‌دهند با کاری که این نسل جدید اغلب به صورت نیمه‌وقت و یا حتی مجانی از طریق اینترنت انجام می‌دهد، تفاوت‌های اساسی وجود دارد.

چگونه می‌توانند بدون طی کردن این مسیر، خود را روزنامه‌نگار بدانند؟ در عرصه کار حرفه‌ای، این فرض قطعی تلقی می‌شود که تنها راه آموزش خبرنگاران برای کسب مهارت در خوب نوشتن یا خوب تحقیق کردن، شرکت در دوره‌های کارآموزی یا قرار گرفتن در فرایند «استاد - شاگردی» در تحریریه‌هاست. اما امروز به نظر می‌رسد که احتمالاً راه‌های متعارف دیگری نیز برای آموزش حرفه روزنامه‌نگاری وجود دارد که به این نسل تازه (روزنامه‌نگاران اینترنتی) کمک

علاوه بر این شیوه‌های آموزشی، امید به خوانندگان و درک قدرت بازار نیز عوامل مؤثری هستند. اینترنت، از نظر استعداد و ظرفیت دریافت بازخورد (پس‌فرست) بهترین رسانه جمعی است که تاکنون اختراع شده است. کسانی که به انتشار از طریق اینترنت اقدام می‌کنند، علاقه‌مندند که میزان جذب مخاطب و قدرت اقناع مخاطب خود را مستقیماً و به سرعت برآورد کنند و این کار در اینترنت یک امر شدنی است. روزنامه‌نگارانی که به حرف‌های

منتقدین خود در تحریریه، از جمله سردبیر و ویراستار و... گوش می دهند در واقع میل به بهتر شدن دارند که کار ساده و راحتی هم نیست. اما درباره کسانی که هرگز و در هیچ موردی از نعمت وجود سردبیر بهره مند نشده اند باید بگویم که من، شخصاً، نویسندگان و خبرنگارانی را می شناسم که بدون برخورداری از آموزش های حرفه ای، مطالب خود را از طریق اینترنت منتشر می کنند و جالب آنکه کارشان روزبه روز دقیق تر و تأثیرگذارتر نیز می شود. در واقع سبک و

لازم باشند و توسط روزنامه نگاران حرفه ای اصیل تولید نشده باشند، قطعاً مخاطب نخواهند داشت. رویگردانی مخاطب نیز می تواند اقتصاد رسانه ها را با مخاطرات جدی مواجه کند. اما حال که هر کس می تواند اخبار و گزارش های خود را به صورتی تأثیرگذار- حتی با طراحی و گرافیک بهتر و دلنشین تر از وال استریت ژورنال و نیویورک تایمز- منتشر کند، آیا می توان انتظار داشت که تفاوت بین

قلم بدستان تازه وارد - همانها که با یک کامپیوتر شخصی و در پارکینگ خانه هایشان به کار روزنامه نگاری می پردازند - کار بی ارزشی است. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که در عین حالی که ما مدیون کارهای با ارزش نسهادهایی نظیر واشنگتن پست و وال استریت ژورنال هستیم، به خواندن A.J. Liebling - با تحلیل روشمندش درباره پیچیدگی هایی که روزنامه های بزرگ در خبرهایشان اعمال می کنند - نیز نیازمندیم تا بر این خیال خام فائق شویم که روزنامه نگاری نهادینه شده (Institutional Journalism) تنها ضرورت مورد نیاز است و در هر صورت و حال، بر مجموعه ای نظیر شبکه «یاهو» (Yahoo) ارجحیت دارد.

دیگر اینکه از گذشته تاکنون یک باور سنتی و عرفی در بین روزنامه نگارانی که بدون وابستگی به نهادهای رسانه ای کار می کنند وجود داشته و دارد که آنها بسیار قدیمی تر و احتمالاً قابل احترام تر از نهادها و مؤسسات مطبوعاتی و رسانه ای هستند. براساس این عرف قدیمی چنین تصور می شود که یک فرد کاملاً مطلع - که قطعاً از قدرت تشخیص معقول و مبتنی بر اطلاعات دقیق و تأیید شده برخوردار است - می تواند مطالبی تهیه کند که حاوی ارزش های جاودانه و ماندگار باشد. طی چند دهه آینده، روزنامه نگاری از طریق اینترنت قطعاً به رشد و رونق چشمگیری دست خواهد یافت. زیرا افرادی که حرفی برای گفتن دارند با استفاده از اینترنت وارد میدان شده و آنچه را که می بینند و یا آنچه را که می دانند، منتشر خواهند کرد.

دومین فرض خودپسندانه آنست که مردم صرفاً مصرف کننده اخبار هستند بدون آنکه قدرت تفکر، عکس العمل یا نقد و نقادی داشته باشند. اگر فرض کنیم که کل ایده آزادی مطبوعات، مقدمه ای

■ روزنامه نگاران تمام وقت، از صبح تا شب تحت آموزش مستقیم و غیرمستقیم سردبیران هستند. به همین خاطر نیز معمولاً با نگاهی تحقیرآمیز یا توأم با تنفر به روزنامه نگاران اینترنتی - که هر از گاهی در اتاق منزل یا پارکینگ خانه شان پشت کامپیوتر می نشینند و مطلبی ارسال می کنند - نگاه می کنند.

■ در عرصه کار حرفه ای، این فرض قطعی تلقی می شود که تنها راه آموزش خبرنگاران برای کسب مهارت در خوب نوشتن یا خوب تحقیق کردن، شرکت در دوره های کارآموزی یا قرار گرفتن در فرایند «استاد - شاگردی» در تحریریه هاست. اما به نظر می رسد که احتمالاً راه های متعارف دیگری نیز برای آموزش حرفه روزنامه نگاری وجود دارد که به این نسل تازه (روزنامه نگاران اینترنتی) کمک می کند تا وظایفش را به درستی انجام دهد.

روزنامه نگاری بد و قلابی و روزنامه نگاری خوب و اصیل قابل تشخیص باشد؟

تکبر و نخوت نهفته در این اظهار نظر، حیرت آور است. برای این تکبر می توان دو جنبه در نظر گرفت؛ اولین فرض خودپسندانه این است که روزنامه نگاری خوب و سرشار از حقیقت - که برای جوامع باز و شهروندان تحصیل کرده یک ضرورت است - وظیفه اختصاصی مؤسسه های بزرگ رسانه ای است و کار

روش کار آنها، مثل سنگی که در جریان آب رودخانه صیقل می خورد، در برخورد دائمی با بازخوردهای مستقیم و سریع مخاطبان، بهتر و شفاف تر می شود.

۲. تشخیص حقیقت از دروغ و شایعه، کار سختی است. امروزه هر کس می تواند مطلبی را که ظاهراً واقعی جلوه می کند، بنویسد و منتشر کند. اما احتمالاً فقط یک بار می توان مردم را با تقلب و حقه بازی فریب داد. مطالبی که فاقد اصالت

برای دستیابی به استقلال و تفکر شهروندان است، آنگاه مشاهده این که بخش عمده‌ای از کار روزنامه‌نگاران براساس این طرز تلقی بنا نهاده شده که شهروندان، گوسفندانی بیش نیستند خنده‌آور و طنزآمیز به نظر می‌رسد. واقعیت آنست که وقتی این دیدگاه در قالب اخبار جریان می‌یابد، اغلب شهروندان یاد می‌گیرند که حداقل تا حدودی شکاک باشند.

۳. این تازه واردها هرگز قادر به

(Bernstein) نبود، بلکه رغبت و تمایل مدیریت مؤسسه‌ای نظیر «پست» به حمایت و پشتیبانی از آنها در برابر حملات سیاسی بنیان برافکنی بود که علیه این ماجرا جریان داشت.

این دیدگاه هرچند حاوی برخی نکات ارزشمند است، اما کاملاً قانع‌کننده نیست. وجود مؤسسات بزرگ خبری که دیگر قدرت‌های سیاسی و اقتصادی جامعه به سادگی نتوانند آنها را از میان بردارند، دقیقاً یک امر مفید است. آنها سنگین وزن‌اند،

بخش مربوط به ناشر) ضروری است که دستیابی به چنین تلفیقی در عمل فردی ممکن نیست. او نوشت: «براساس گفته جو و جین (دو روزنامه‌نگار امریکایی) آنها برای دستیابی به یک تصویر جامع و تمام عیار درباره نقض حقوق بشر در چین، دوماه وقت صرف کردند.» من نیز این نکته را به او یادآوری کردم که واگذاری چنین مأموریت‌هایی حتی در سطح روزنامه‌نگاران حرفه‌ای شاغل در روزنامه‌ها هم معمول و مرسوم نیست. علاوه براین از او پرسیدم: «آیا برای باورید که کسی می‌تواند بدون آنکه در استخدام یک روزنامه یا مؤسسه مطبوعاتی باشد، برای تهیه مطلبی درباره نقض حقوق بشر، ماهها یا سالها در چین اقامت کند؟» من براین عقیده‌ام و برعقیده خود نیز پافشاری می‌کنم که اینترنت این سبک از روزنامه‌نگاری مقرون به صرفه و اقتصادی را برای کسی که تنها سرمایه و دارایی‌اش یک کامپیوتر شخصی و مطلبی برای انتشار است، ممکن کرده است. دوست من با شک و تردید پرسید: «آیا کسی توانسته با شکستن قفل رمز مرکز اسناد پنتاگون به اخبار این مرکز دسترسی پیدا کند؟» به او پاسخ دادم: «آیا اگر دانیل الزبرگ (Daniel Ellsberg) با شبکه جهانی وب (WWW) در ارتباط بود، باز هم به مؤسسات و نهادهایی مثل پست یا تایمز نیاز داشت؟ او می‌توانست به راحتی اولین کسی باشد که این اسناد را منتشر می‌کند. در آن صورت تایمز و پست نیز می‌بایست خیر او را دنبال می‌کردند و اسناد پنتاگون نیز به وفور و حتی شاید یک سال زودتر در مطبوعات و رسانه‌های خبری منعکس می‌شد.»

به نظر من، وقتی از امکاناتی که اینترنت برای روزنامه‌نگاری فراهم ساخته صحبت می‌کنیم، در واقع مثل این است که فقط نوک کوه یخی شناور در اقیانوس را دیده باشیم یا به عبارت دقیق‌تر در این



اما شأن و منزلتشان نیز بهای خاص خود را دارد و قابل خریداری است. اغلب ناشران بزرگ باید مصالحه و سازش‌هایی در مسائل اقتصادی، به ویژه مواردی که به خاطر آگهی‌های بازرگانی اجتناب‌ناپذیر است، انجام دهند.

در زمانی نه چندان دور، این پرسش را در یک میاخانه اینترنتی (On Line) با یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای در میان گذاشتم. او معتقد بود که در دستیابی به خبرهای مهم، وجود آمیزه‌ای از تجربه (در بخش مربوط به خبرنگار) و منابع مالی (در

انجام کاری که بزرگترها (روزنامه‌نگاران قدیمی و کلاسیک) انجام می‌دهند، نیستند. روزنامه‌نگاران یک نفره، که کارشان مبتنی بر اینترنت است و بیشتر به نمایش می‌ماند، از منابع لازم برای ارائه اخبار مهم برخوردار نیستند. آنچه ماجرای تأثیرگذار و مهم واتس‌رگیت را برای روزنامه‌ها و واشنگتن‌پست ساخته و پرداخته کرد، فقط قابلیت‌های وود وارد (Woodward) و برنیستن

■ با اطمینان می‌توان گفت که امنیت شغلی روزنامه‌نگاران شاغل در مؤسسات بزرگ خبری، علی‌رغم امکانات و توانایی‌های فراوانی که روزنامه‌نگاری اینترنتی فراهم ساخته، حداقل برای ۳۰ سال آینده دستخوش تغییر نخواهد شد. زیرا هنوز به جمع‌آوری، تحلیل تجربی و تلفیق هنرمندانه اخبار به عنوان نقطه قوت آن سبک روزنامه‌نگاری، نیازمندیم.

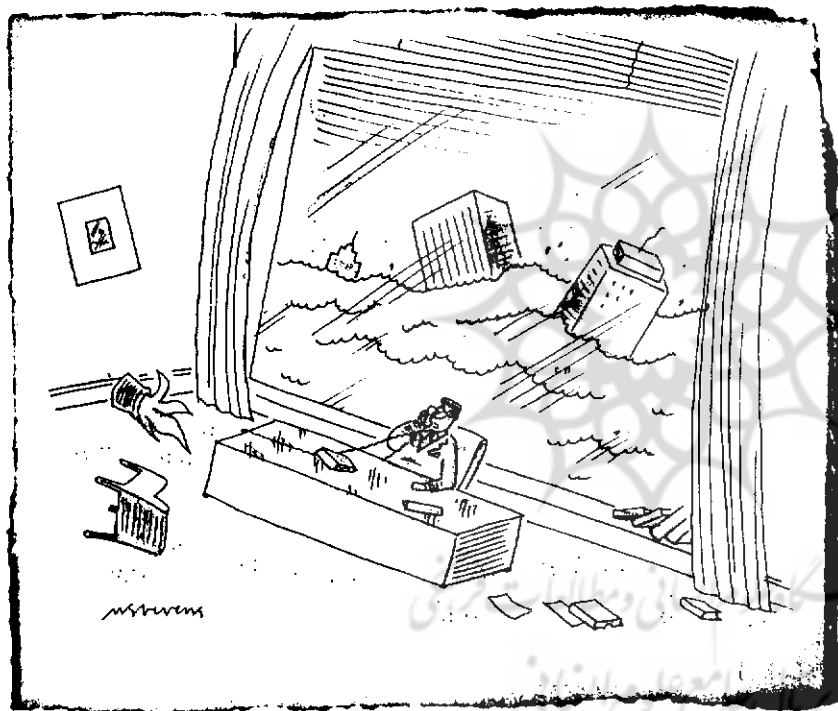
■ اینترنت، روزنامه‌نگاری مقرون به صرفه و اقتصادی را برای کسی که تنها سرمایه و دارایی‌اش یک کامپیوتر شخصی و مطلبی برای انتشار است، ممکن کرده است.

مورد خاص تمام وجوه مسأله را موردنظر قرار نداده‌ایم. البته منظورم اصلاً این نیست که همکارانمان در سازمان‌های بزرگ خبری در حال از دست دادن شغل خود هستند. من با اطمینان می‌گویم که آنها حداقل می‌توانند برای ۳۰ سال آینده روی امنیت شغلی خود حساب کنند. زیرا ما هنوز به جمع‌آوری، تحلیل تجربی و تلفیق هنرمندانه اخبار - به عنوان نقطه قوت آن سبک روزنامه‌نگاری - نیازمندیم. اما میدان عمل برای روزنامه‌نگاری اینترنتی، به وسیله نقش آفرینانی که امروز منفردند اما استعدادهایشان در حال شکوفایی است، روزبه روز وسیع‌تر شده و زمینه‌های موردنیازشان روزبه روز غنی‌تر می‌شود.

درباره موضوع مورد بحث، این نکته نیز قابل تأمل است که مدارس و سیستم آموزشی ما، طی سالیان طولانی، شهروندان را به گونه‌ای آموزش داده‌اند تا باور کنند که «فراگیری» و «نوشتن» درباره چیزی که فراگرفته‌اند، وظیفه‌ای است که هر شخص تحصیلکرده حتماً باید قادر به ایفای آن باشد. من این اصل را قبول دارم و معتقدم که هر شخص تحصیل کرده‌ای می‌تواند یک روزنامه‌نگار شود و این را نتیجه قهری و نتیجه منطقی همان چیزی می‌دانم که در مدارس و سیستم آموزشی ما [و بسیاری از کشورها] به شهروندان آموزش داده می‌شود.

۴. «در عرصه روزنامه‌نگاری

اینترنتی، انصاف و درستی (صحت) مطالب، چه سرنوشتی خواهد یافت؟ هنگامی که انبوه روزنامه‌نگاران آماتور - که فرایند کارآموزی را درباره اصول اخلاقی طی نکرده‌اند - به بازار کار حرفه‌ای سرازیر شوند، برسر اصولی نظیر انصاف و صحت چه خواهد آمد؟ اصولی که ما روزنامه‌نگاران



برخی دیگر در تحریریه‌ها و تحت نظر روزنامه‌نگاران حرفه‌ای به صورت تجربی آموزش خواهند دید - بیاموزیم؟ من فکر می‌کنم پاسخ این سؤال ذاتاً تحت تأثیر و وابسته به عامل زمان است. ما باید عملاً روزنامه‌نگاران اینترنتی (On Line) را بپذیریم و رسماً آنها را روزنامه‌نگار بنامیم. باید آنها را - که همقطاران و دوستان تازه ما هستند - مورد حمایت، تشویق، تحسین و نقد سازنده قرار دهیم. باید به جای طرد، اشتباهات و لغزش‌هایشان را به آنان گوشزد کنیم. تنها با پافشاری در این کار

حرفه‌ای در خلال سالها کار در سازمان‌های سنتی رسانه‌ای آموخته‌ایم چه خواهند شد؟ آیا آن ارزش‌های اخلاقی و حرفه‌ای به حاشیه رانده خواهند شد؟»

برای کسانی است که نگران روزنامه‌نگاری هستند، مسأله غامض اینجاست که ما چگونه می‌توانیم مفاهیم اخلاقی را به این موج جدید و عظیم روزنامه‌نگاران عملی - که برخی از آنها به مدارس روزنامه‌نگاری خواهند رفت و

است که مولود جدید - روزنامه نگاری الکترونیکی - به کیش ما روزنامه نگاران سنتی تعلق خواهد یافت. تنها با دعوت آنان به پیوستن به ما و محترم شمردن کارشان قادر خواهیم بود که آن طور که می خواهیم بر آنان تأثیر بگذاریم.

امروزه، فشارهای مالی و سیاسی بر سازمان های خبری، حتی بیش از گذشته، مؤید به خطرافتادن روزنامه نگاری سازشکارانه و پوشش دادن متملقانه به اخبار است. ما باید با امیدواری - بیش از ترس یا تنفر - به چشم انداز مثبتی که حضور روزنامه نگاران مستقل در اینترنت ترسیم می کند، پاسخ دهیم. آنان زبان گویای آینده و بهترین عامل برای برآورده ساختن امیدها و آرزوهای ما در روزنامه نگاری و دمکراسی هستند. البته مطمئن هستیم که برخی از آنها تعادل خود را از دست داده و مرتکب انواع اشتباهاتی خواهند شد که امروزه سازمان های حرفه ای خبری از تکرار آنها خودداری می کنند. اما در عین حال شبکه های اینترنتی، مشارکت عقل جمعی را بیش از پیش میسر می سازند و من خوشبینانه پیش بینی می کنم که روزنامه نگاری اینترنتی، آن اشتباهات را تکرار نخواهد کرد. (البته این نکته را نباید فراموش کرد که آنها نیز درست مثل ما، اشتباهات تازه ای را مرتکب خواهند شد!)

من سعی می کنم در این بحث یک آرمان گرای ذهنی قلمداد نشوم، اما حتی با نگاهی اجمالی نیز می توان یک آینده به کلی تغییر شکل یافته را با حضور پدیدۀ «همه - روزنامه نگار» (Everyman Journalism) تصور کرد که بنا استفاده از دانش و خرد بهترین سازمان های سنتی خبری، یک تحریریه جهانی روی شبکه وب (World Wide Web) تأسیس خواهد شد. این دیدگاه متأثر از مشاهده عصر گوتنبرگ، اختراع چاپ در قرن پانزدهم و

■ همان طور که اختراع گوتنبرگ، تولید کتابهای انبوه و ارزان قیمت و ارتقای سطح دانش و آگاهی را برای بشر به ارمغان آورد، استفاده از اینترنت نیز به ایجاد پدیده ای به نام «روزنامه نگاران ارزان، اما پر قدرت» منجر خواهد شد.

■ باید عملاً روزنامه نگاران اینترنتی (On Line) را بپذیریم و رسماً آنها را روزنامه نگار بنامیم. باید آنها را - که همقطاران و دوستان تازه ما هستند - مورد حمایت، تشویق، تحسین و نقد سازنده قرار دهیم.

من، به خاطر همه آنچه که اختراع گوتنبرگ و تولید کتاب های ارزان قیمت و انبوه به ما ارزانی داشت، فکر می کنم که استفاده از اینترنت امکانی را برای ما فراهم می آورد که برای هر دو گروه از روزنامه نگاران، مثبت و مفید است. این امکان تازه، چیزی نیست مگر روزنامه نگاری ارزان، اما پر قدرت که نه تنها شدنی است، بلکه یک امر اجتناب ناپذیر است. ما با آینده ای روبرو هستیم که تضمین نخستین اصلحیه قانون اساسی [امریکا] درباره آزادی مطبوعات، با تحت پوشش گرفتن آزادی بیان، دامنه بسیار وسیع تری می یابد. به این ترتیب آزادی بیان نه فقط برای کسانی که مثل روزنامه نگاران، شتابزده و بسا عجله می نویسند بلکه برای تمامی حرفه ها به یک حق تبدیل خواهد شد. ما مختاریم که این توسعه و پیشرفت را رد کنیم یا با پذیرش آن، روزنامه نگاری سنتی مان را به آن مزین کنیم. اما من معتقدم که رمز سعادت و آینده بهتر ما در پیوند بین روزنامه نگاری سنتی - که از آن گذشته مان است - و روزنامه نگاری اینترنتی - که به آینده مان مربوط می شود - نهفته است. □

فکر کردن به این موضوع است که چاپ، چگونه جوامع مدرن و باز را از طریق راه هایی که تا آن زمان قابل پیش بینی و تصور نبود، شکل داد. اختراع گوتنبرگ منجر به تولید انبوه کتاب های ارزانی شد که به راحتی در دسترس توده مردم قرار گرفت و منجر به ارتقای سطح سواد و دانش آنان شد. این اختراع باعث شد که جهان، ناگهان با جمعیت کثیر و بزرگی از باسوادان - که نویدبخش تحقق و شکوفایی وجهی از وجوه دموکراسی بود - مواجه شود. تا آنجا که امروزه و تحت تأثیر همین شرایط، حتی یک عامی باسواد نیز درباره نقش خود و شیوه حکومت دولت، به قضاوت و تشخیص رسیده است. تولید کتاب های ارزان، پیشرفت و ارتقای سطح آگاهی های علمی و دانش تاریخی بشر را با استفاده از اسناد و منابع ارزشمندی که به وسیله حفظ، مشابه سازی و مشارکت بسیاری از خوانندگان ممکن شده، فراهم ساخت. یکسان سازی و انتشار کتاب های ارزان به سرعت، گروه و دسته ای از دانشمندان و تاریخ دانان را پدید آورد که آثار مشابهی خوانده بودند و در تولید دانش مشترکی مشارکت داشتند. سرانجام، حروف سربی این امکان را برای «گذشته» فراهم ساخت که با «آینده» صحبت کند، امکانی که از طریق ارتباطات شفاهی و سنتی، هرگز شدنی نبود.

عنوان اصلی این مقاله و منبع آن در زیر آمده است:

Who's A Journalist?II welcom the new
journalists on the Internet, Mike Godwin, Media
Studies Journal, spring/ summer 1999, pp. 38-42.